

درود به ارش دلار سرخ و مل مور روی که هنگینی بدار
مکار رانو خش را بد و ش گرفته نهاند دهانه و در و ز گردندند.

دزودبارانش های دلاور متفقین خوبی ا
ملت ایران انتظار دارد که مال مدنی در بخش کن کر دن و ظاهر و
عوامل ذاتی بسم و نزد محترم با ملل هند بده جهان دهد جا کنمک آنند و
دستور مبلغه شالو ده صادری اداری را مذاونه .

متینک و نهایش

پیمانیت فتح دول متفق و شکست
ظاهری فاش نشود؛ از این روز بهمراه ۲۱
اوی و پیروت ماه مبارکه ای، فخر و خوش درود
تاریخی بر این اتفاق را خود بیدار
از صد هات آغاز کرد؛ صبح قدر، مطمکن کار
گران و روشنگرکار و با این وجوهان
با پیروزیهای ایران و پرسی های ایست
های مجلل خود (آذل اوی) را خود ریاری
نمیخورد؛ در کنی اسلامیه کارگران و
زندگانان ایران گفتگو؛ و در ملو
کووند، مرتضی نواده ایران عصت آذانی ای

مأمورین انتظام حزب آن ها را
به ایجاد مهین شده راهنمایی توده در
شیخابان فردوسی نظم کامل را برقرار
کرده اند.

موکر کاری را تهیت گذاشت بدینها مدار نان
او روزانه آزاده باز و شرکت و از خود
گذشتگی آنان وا درینه و مبارزه بر
نهاده همچشم و فتح نیز توپخانه
به نام زنان آزاده را این خوش تاریخی
را نهیت گفتهند ناطق بانو و دیری های
کف زدهای دورانگیر و هورا های
جهت استقبال گردیده
له در منه ع

مسیو ادوارڈ ہریو

دروزارت خارجہ

در گازت دورت «نست و وزیر
بايو اشتراهن» آز کاي خلان و بالاوندوهون
کرده بودند، کي بهام جاي سرف شاند
بر و پوبي نهادست - معلوم بود، در
حال بود اداوه همچو درجهان می بود:
هد، کس راه استعمال گذاشته بود
بیانات او مود تر، کارل تزار گرفت
نهست اظهارات متصور، پير ماري کي در
هوه شنیده (چون گفته هاي آز کاي سکم).

یشنه های ((همکاری))

« منی خد ، مادام ولار از این
خوبی را در اینها کرد ، و لورگن که
صد و سی و سه نایاب را با خود
و هشت و سی و سه نایاب را با خود
و هشت و سی و سه نایاب را با خود
زرا بات شمس مجهول نباوسته » و
برای رفع اختناکات شمش خود را
آبی این مکار میکار میکند . »

سوال اول اور **وزارت امور خارجہ**
 طبیور اسلام: اعلیٰ ساختے ہیں امیر جنگی
 قتل ہے۔ بناءً اسی کو ادا دینے پر نام
 برداشت مذکور ہے۔ دل دکتر ملیٹ
 از اھل دول متفق ہے۔ حتیٰ ذرات
 مذکور ہے۔ مذکور ہے۔ ایسا شر کہ دل ایں نہ رہے
 دعوت مفہوم، ولی اردوت میں کوہ مسلاں میں
 کادر دریف پڑھو۔ پر بزرگ نہیں دل متنق: مسوب
 میں محفوظ بند اڑاکنے اپنی کوئی
 است۔ کفر قربانی میں ایسا دھدھو
 نکریہ است۔ وہ زیر نہ رہے دلوں پھر
 شدہ کہ بشارک دول متفق ہے۔ در فرانہ کرت
 ماذکور ہے۔ مذکور ہے۔ دل دکتر ملیٹ کو
 درخشنان اور بنا۔ بزرگ کی داروں دھدھو
 شدہ است۔
 ماتکاظار داروں وزارت خارجہ
 ”وضیع“ دھدھو کہ مکاپا این مدل افایہ کرن
 صافی روپیں بیبلیتیں یاں با ظریروں اوت
 امور خارجہ پر بودہ است۔
 (۱) ایں ایں۔

نولان رش مژو پیده کنم تکب ای احباطن
بزیر کی شده و شاید سکم قتل شورهش
رو آمضا کرد که این است.
اگلک داره بقهاده و سواو
بازگر بهم
در سرمه دس‌امپر ۱۹۸۸
مان لایه از مرک ناگونه
خوب خود را شد، که در چکنیز
نه بجهز نزد داروه علاج ان قدمان

جنگ پایان یافت
مادر چه حالیم؟

آن شرط واجب جاو او بروانه داد
منکل و خوار زی و برادر کم میباشد.
ازنار بزکان امتهنه که علاوه
آن زمامه های طولانی خود با مصالح
شیری روز رو بوده و لال بدخت ترا
طاهله گرفت، تجویز آورده اند. رئیس
کی افشاری، تجویز آورده اند. رئیس
دین و امور اسلامی، تجویز آورده
که دیگران این عقیدت را اذان نامست
و فرقه داشتن یک هنر و هماکنجهند
میگردند. همچنان که این اتفاق در
عمر پنجم اسلام است. از این پرورد
برای اختصار از مصالح مکنت
جاید علی آنها ازین رد باشد از

شناختهای امراض آنکارا-باب سرت - باید
آنکارا-پونت و دویل-آتشور
ماهرا فوجه.
مدار اول ۲ باش د ۱۳۲۲ در
سال ۱۹۰۷ مصادمه ۷۳ روز امام و در پیان
فقالی استعوان و آنکارا-دان و کرمان
قرصاسی خواهند شد. واحد-آنکارا
قرصاسی خواهند شد. واحد-آنکارا

« بدون اجرای عدالت در داخل مملک عدالت بین المللی اسم سماوی خواهد بوده متفقین میخواستند اتفاق همه باشند که را در آینه از زیر ببرند و با اتفاق عادس یک مقننه دائمی داشتند که اگر کسی کنده آبا فقط احسر ام با افراحتی استقلال ململ کار چاک این نظور را تامین نمیکند؟ آبادی فران دیون بدخشان دادند هر دم

